

## بخش پنجم

# نقش قدرت‌های استعماری در

## سقوط امپراطوری عثمانی

---

امپراطوری عثمانی از قدرت نظامی عمدہ‌ای در خاورمیانه، شمال آفریقا و بخش‌هایی از اروپا برخوردار بود. بنابراین قدرت‌های استعماری اروپا به عثمانی به عنوان یک دشمن عمدہ و سد نفوذ در این نواحی نگاه می‌کردند.

از این رو در قرن نوزدهم تلاش قدرت‌های اروپایی برای درهم شکستن عثمانی شدت گرفت و بسیاری از مناطق تحت نفوذ عثمانی در اروپا به تحریک کشورهای بزرگ این قاره از امپراطوری عثمانی جدا شد.

در شمال آفریقا نیز مصر، الجزایر و مراکش در قرن نوزدهم به اشغال نیروهای انگلستان و فرانسه درآمد و از دست امپراطوری عثمانی خارج شد.

در این میان، هر یک از کشورهای قدرتمند اروپایی، به نحوی در سقوط امپراطوری دخیل شدند: عثمانی‌ها نیز به دلیل مشکلات داخلی نتوانستند این بحران را مدیریت کنند و سرانجام با هجوم مستقیم این کشورها در جنگ جهانی اول، از هم پاشید:

### ۱. انگلستان:

سالهای اول قرن بیستم، دوران اوج سیاست استعماری و فعالیتهای اقتصادی و ژئوپلیتیک انگلستان در خاورمیانه و خلیج فارس بود. خطر پیشرفت سریع آلمان در منطقه که تا عراق و خلیج فارس پیش آمده بود و راه هند را به خطر می‌انداخت، دولت انگلیس را بر آن داشت تا از سویی داردانل و باب المندب و سایر تنگه‌ها و معابر و بنادر راه هند را در کنترل خود درآورد و از سوی دیگر قدرت خویش را در خلیج فارس و دریای عمان تثبیت و بی‌رقیب و دولتهای منطقه را فرمانبردار خویش سازد. در همین مسیر «لرد کرزن» نایب السلطنه انگلیس در مستعمرات هند در سال ۱۹۰۳ م. به خلیج فارس آمد و شیخ کویت و سایر مشايخ کنار خلیج را تحت الحمایه دولت متبع خود ساخت و راه دریایی خلیج فارس و دریای عمان را بر روی آلمان و سایر دولت اروپایی بست.

دولت انگلیس در سال ۱۹۰۴ با شتاب اختلافات خود را با فرانسه و روسیه رفع کرد و با آن دو دولت، اتحادیه ای برای رویارویی با آلمان تشکیل داد و به دنبال بریدن پای آلمان از خاورمیانه و خلیج فارس افتاد. بنابراین و با توجه به تهدید راههای زمینی و دریایی هند از سوی آلمانی‌ها و ترک‌ها، انگلیسی‌ها با زیرکی تلاش کردند عرب‌ها را به شورش علیه عثمانی‌ها تحریک و ترغیب کنند.

در نتیجه انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها خود را ناجی عرب معرفی کردند. به عبارت دیگر، عملیات در بین النهرين، عربستان، فلسطین و سوریه به عنوان عملیات آزادیبخش، پیش درآمد استقلال کشورهای مختلف معرفی شد. آنان به جز این ژست، سران اعراب را نیز با وعده‌های گوناگون می‌خریدند.<sup>۱</sup> آنها به همین نیز بسته نکردند و از طریق تحریک ابن سعود و وهابیون، پایه‌های عثمانی را بیش از پیش تضعیف نموده، نطفه جریان خطروناکی را در قلب جهان اسلام ایجاد کردند.

---

۱. فیلیپ پروو، فرانسه و منشأ ترازی فلسطین، ترجمه آیت سالاری‌فر، چاپ اول، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، تهران، ۱۳۸۵. ۴۰ – ۲۹.

#### ۴۴ / فصل اول: تاریخچه معاصر تفرقه امت اسلام و ایجاد مرزهای ملی استعماری

دولت انگلیس برای تأسیس پایگاه مطمئنی در منطقه، از یک سو «شریف حسین» حاکم حجاز را به وسیله «کلنل لورنس» فریب داد و به فکر تأسیس دولت متحده اسلامی و اتحادیه عرب انداخت، و از طرف دیگر دفتر اتحاد اسلام - «پان اسلامیزم» - را در لندن تأسیس نمود و سر رشته ارتباط سران و دولتمردان کشورهای مسلمان را در دست خود گرفت.

انگلیسی‌ها بنا به اصل «فرّق تَسُدّ = تفرقه بینداز تا در مقام ریاست باقی بمانی» دنیای اسلام را تجزیه و تضعیف کردند و به بهانه های ناسیونالیستی، آنها را به جان هم انداختند و دولتمردان مسلمان را زیر بال خود گرفتند. آنان سرانجام در جنگ جهانی اول آلمان و عثمانی را شکست دادند و با روی کار آوردن دولت‌های دست نشانده، احزاب نژادپرست و تقویت قومیت عربی جهان اسلام را در حصار مرزهای ملی زندانی کردند.

«خانم گرتورد بل» منشی سرپرسی کاکس کمیسر عالی انگلیس در بغداد، ضمن نامه‌ای که به پدرش نوشته سیاست بریتانیا در خاورمیانه را در یک جمله چنین خلاصه کرده است: «پدر، از بس که شاه ساختم خسته شدم!»

#### ۲. روسيه:

روس‌ها بنا بر انگلیزهای مذهبی قصد داشتند حاکمیت مسلمانان را از قسطنطینیه کنار بزنند و امپراطوری عثمانی را تجزیه کنند. آنها همچنین به دلایل اقتصادی و سیاسی می‌خواستند کنترل دو طرف بسفر را به دست گیرند. آنان با این هدف، تحرکات متعددی در مناطق اروپایی - مخصوصاً مناطق غیر مسلمان نشین - ایجاد کردند و جنگ‌های پی در پی را به عثمانی‌ها تحمیل نمودند.

روس‌ها از زمان انعقاد معاهده سن استفانو در سال ۱۸۷۸ م. برای دستیابی به اهدافشان در ترکیه تلاش می‌کردند، اما در کنفرانس برلین مجبور به عقب نشینی شدند زیرا روسیه، انگلیس، اتریش و آلمان را در مقابل خود می‌دیدند.

## بخش پنجم: نقش قدرت‌های استعماری در سقوط امپراطوری عثمانی / ۴۵

اما کاهش نفوذ و حضور عثمانی‌ها در اروپای قرن نوزدهم و افزایش شمار ارتدوکس‌ها در مناطق مختلف امپراطوری عثمانی، روس‌ها را در نیل به اهدافشان کمک کرد. آنان سرانجام در جنگ جهانی اول به بسیاری از اهداف خود رسیدند.

### ۳. فرانسه:

این کشور نیز در ابتدا از خوف قوی شدن بیشتر روسیه، با تجزیه عثمانی موفق نبود و به دنبال ایجاد موازنی بود. فرانسه در سال ۱۹۱۴ اولین کشور وامدهنده و سرمایه‌گذار در عثمانی قلمداد می‌شد. خدمات پزشکی و مدارس فرانسوی نیز در امپراطوری عثمانی به وفور یافت می‌شد. فرانسه به لطف سرمایه‌گذاری میلیاردی در ترکیه، و نیز خطوط آهن، بنادر، شرکت‌های مختلف، مدارس و بیمارستان‌ها، نفوذ زیادی در امپراطوری عثمانی داشت. بیش از صد هزار دانش‌آموز در مدارس فرانسوی تحصیل می‌کردند. زبان و فرهنگ فرانسه هم به همین دلایل در امپراطوری عثمانی بشدت رایج بود. در واقع، زبان فرانسه بتدریج جای زبان عربی و فارسی را در امپراطوری گرفت و به زبان دوم همه عثمانی‌ها تبدیل شد. این مسئله برای فرانسوی‌ها یک امتیاز قلمداد می‌شد؛ زیرا نفوذی بود که هیچ هزینه‌ای دربرنداشت و خطری نیز هیچ یک از شهروندان فرانسه را تهدید نمی‌کرد.

بنابراین بدیهی بود که هرگونه تجزیه ترکیه، ضرر به منافع فرانسه محسوب می‌شد و منافع فرانسه ایجاب می‌کرد که تمامیت ارضی امپراطوری عثمانی حفظ شود؛ زیرا فرانسه در این کشور نفوذ مسالمت‌آمیز و عمیق داشت. بنابراین، فرانسه از حامیان قاطع حفظ تمامیت ارضی امپراطوری عثمانی بود.

اما دیری نپایید که آسیای صغیر به جولانگاه رقابت و جاه طلبی‌های قدرت‌های بزرگ تبدیل شد. با شروع جنگ در اروپا، کشورهای آلمان و روسیه بنابر دلایلی کاملاً متناقض و بر اساس منافع خود ترکیه را به جنگ کشاندند. آلمان برای در اختیار گرفتن کنترل تنگه‌ها و گذرگاه‌ها، تسخیر مصر، به هم ریختن اوضاع ایران و ایجاد کشورهای مستقل در قفقاز به عثمانی‌ها نیاز داشت. با تشکیل جمهوری‌های مستقل در قفقاز، آلمان

## ۴۶ / فصل اول: تاریخچه معاصر تفرقه امت اسلام و ایجاد مرزهای ملی استعماری

می‌توانست هند را توسط افغانستان تهدید کند. روس‌ها نیز بنا بر انگیزه‌های مذهبی قصد داشتند ترک‌ها را از قسطنطینیه کنار بزنند. آنها هم چنین به دلایل اقتصادی و سیاسی می‌خواستند کنترل دو طرف بسفر را به دست گیرند. در نتیجه تحرکات ناوگان روسیه در دریای سیاه با پاسخ ناوگان ترک - که هدایت آنها را افسران آلمانی به عهده داشتند - مواجه شد.

بدین ترتیب، ترکیه در دوم نوامبر ناخواسته وارد جنگ شد. در نتیجه، فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها هم برای کمک به ارتش روسیه و فرانسه و گوشمالی جدی آلمانی‌ها جبهه سومی تشکیل دادند. از اینجا به بعد، فرانسه بر خلاف سیاست خود به مخاصمه با عثمانی پرداخت.

در دوازدهم نوامبر ۱۹۱۴ م. و در اولین مرحله تقسیم امپراتوری عثمانی و بروز مشکلات اولیه درباره فلسطین، «ژرژ پنجم» پادشاه فرانسه، در دیدار سفیر روسیه گفت: «قسطنطینیه (استانبول) باید به شما واگذار شود». دو روز بعد سر «جی بوچانان»، سفیر انگلیس در برتون‌گراد، به دولت روسیه اعلام کرد، مسئله تنگه‌ها و قسطنطینیه باید مطابق خواسته روس‌ها حل و فصل شود. «سازونوف»، وزیر امور خارجه روسیه، از اظهارات سفیر انگلیس بسیار خرسند شد. تزار نیز با سفیر فرانسه در روسیه در ۲۱ نوامبر درباره این مسئله گفت و گو و تأکید کرد: «ترک‌ها باید از اروپا بیرون رانده شوند و قسطنطینیه به شهری بی طرف با حکومتی بین المللی تبدیل شود».

سفیر فرانسه نیز گفت: «دیدار با امپراتور فرصتی برای من فراهم کرد تا یادآوری کنم که فرانسه در سوریه و فلسطین پیشینه ای تاریخی و منافع مادی دارد». تزار هم در جواب گفت: «روسیه کاری نمی‌کند که دولت فرانسه مجبور به اتخاذ تدبیری برای حفظ منافع خود در این مناطق شود».

فرانسه و انگلیس نیز به تبادل نظر درباره آینده خاورمیانه پرداختند. فرانسوی‌ها علاقه خاصی به سوریه داشتند و از قرن نوزدهم فکر می‌کردند حقوق ویژه‌ای در این کشور دارند. اولین گفت و گوهای انگلیس و فرانسه نوامبر ۱۹۱۴ انجام شد.

#### بخش پنجم: نقش قدرت‌های استعماری در سقوط امپراتوری عثمانی / ۴۷

دو طرف سی ام سی و یکم دسامبر در پاریس با حضور سر مک ماهون، کمیسر عالی مصر، با یکدیگر دیدار و گفت و گو کردند. مک ماهون به الکساندر میلیران، وزیر جنگ فرانسه، گفت: «در شرایط کنونی قصد ندارد اعراب را علیه ترک ها بشوراند، اما ترجیح می دهد شاهد متلاشی شدن ارتش عثمانی باشد». میلیران حتی یک کلمه از حرف های مک ماهون را باور نکرد؛ زیرا به همکاران خود در وزارت امور خارجه نوشت که احساس می کند انگلیسی ها بر روی نارضایتی ها در آسیای صغیر حساب باز کرده‌اند (همان گونه که پیشتر این کار را در بین النهرين کرده اند)؛ به طوری که اقدامی نظامی علیه ارتش ترکیه در سوریه یا فلسطین قابل پیش بینی بود. اگرچه کمیسر عالی مصر به هیچ وجه حاضر به پاسخ گویی در این خصوص نبود، دولت انگلیس ترجیح می داد از مداخله فرانسه در این مسئله جلوگیری کند.

دکلاسه، وزیر مشاور در امور خارجه فرانسه، هشتم فوریه ۱۹۱۵ به همتای انگلیسی خود خاطرنشان کرد که سوریه و جنوب ترکیه (آданا و سوروس) مناطق استحفاظی فرانسه قلمداد می شوند و منافع این کشور در این مناطق قابل تقسیم نیست.

دولت فرانسه هفتم آوریل با درخواست های روس ها درباره قسطنطینیه و تنگه داردانل موافقت کرد، البته به این شرط که اهداف فرانسه و انگلیس در شرق و سایر نقاط جهان تحقق یابد. اگرچه توافق نامه های مارس - آوریل ۱۹۱۵ درباره اهداف جنگی در شمال سوریه و جنوب ترکیه مطابق خواسته های فرانسوی ها بود، اما هم چنان آینده فلسطین را لاينحل باقی گذاشت.

#### ۴. آلمان:

آلمان که پس از مدت‌ها تفرقه و کشمکش داخلی در ۱۸۷۰ تحت رهبری «بیسمارک» به وحدت رسیده بود همراه دو رقیب بزرگ خود - انگلیس و فرانسه - در پی کسب نفوذ در سایر نقاط جهان می گشت. خاور نزدیک، خاورمیانه، آسیا و شمال آفریقا از جمله مناطقی بودند که رقابت و کشمکش میان این سه قدرت را تشیدید می کردند.

## ۴۸ / فصل اول: تاریخچه معاصر تفرقه امت اسلام و ایجاد مرزهای ملی استعماری

توافقنامه‌های «شریف حسین» با «مک ماهون انگلیسی» و ابهامات حاکم بر این توافقنامه‌هاییکی از دلایلی بود که موجب شد آلمان ترک‌ها را به وارد شدن در جنگ در کنار خود ترغیب کنند.

از سوی دیگر آلمانی‌ها برای ایجاد تفرقه و شورش در میان مسلمانان هند و شمال آفریقا بر ضد بریتانیا، روی قدرت خلیفه عثمانی - و به ویژه قدرت مذهبی‌اش - حساب می‌کردند.

### ۵. اتریش:

دولت اتریش نیز به قصد حضور بیشتر در منطقه بالکان به رویارویی با عثمانی پرداخت.

نتیجه اینکه «کشمکش قدرت‌های استعماری اروپا برای نفوذ در امپراطوری عثمانی»، «سیاست جداسازی بخش‌هایی اروپایی و آفریقایی عثمانی» و «حمایت از حرکت صهیونیسم و نیز ناسیونالیسم عرب به منظور درهم شکستن قدرت عثمانی در سالهای جنگ جهانی اول»، نقش عمدت‌ای را در فروپاشی امپراطوری عثمانی و تجزیه آن به کشورهایی ضعیف با مرزهای ملی بازی کرد.<sup>۱</sup>

---

۱. حمید احمدی: ریشه‌های بحران در خاورمیانه، انتشارات کیهان، چاپ اول، بهار ۱۳۲۹، تهران. ص شانزده.